

# صفر به یک

پیتر تیل

بلیک مسترز

واسع علوی - راهله یوسفزاده

نشر نوین

## فهرست

---

- ۷..... مقدمه. صفر به یک
- ۱۱..... فصل ۱. چالش آینده .....
- ۱۷..... فصل ۲. جشن می‌گیرم انگار هنوز سال ۱۹۹۹ است .....
- ۲۹..... فصل ۳. همه شرکت‌های شایسته، متفاوت هستند .....
- ۴۱..... فصل ۴. ایدئولوژی رقابت .....
- ۴۷..... فصل ۵. مزیت حرکت آخر .....
- ۶۱..... فصل ۶. شما برگ بخت‌آزمایی نیستید .....
- ۸۳..... فصل ۷. پول را دنبال کن .....
- ۹۳..... فصل ۸. رازها .....
- ۱۰۷..... فصل ۹. شالوده‌ها .....
- ۱۱۷..... فصل ۱۰. سازوکار مافیا .....
- ۱۲۵..... فصل ۱۱. اگر بسازیدش، می‌آیند؟ .....
- ۱۳۹..... فصل ۱۲. انسان و ماشین .....
- ۱۵۱..... فصل ۱۳. سبز دیدن .....
- ۱۷۱..... فصل ۱۴. تناقض بنیان‌گذاران .....
- ۱۸۷..... نتیجه‌گیری. ایستایی یا یکتایی .....
- ۱۹۱..... درباره نویسندگان .....

## چالش آینده

هرگاه که با شخصی مصاحبه شغلی می‌کنم، دوست دارم این سؤال را بپرسم:  
 «کدام حقیقت مهم است که افراد کمی با شما در آن هم‌عقیده هستند؟»

این پرسش آسان به نظر می‌رسد چراکه سراسر است. در واقع، پاسخ دادن به آن دشوار است. پاسخ دادن به لحاظ عقلانی دشوار است زیرا دانشی که به هر کس در مدرسه آموخته می‌شود براساس تعریف، توافق‌شده است. و همچنین پاسخ دادن، به لحاظ روان‌شناسی نیز دشوار است زیرا هرکسی که بخواهد پاسخ این پرسش را بدهد باید چیزی را بگوید که آن را غیر محبوب (منفور) همگان بداند. تفکر درخشان نادر است، اما شجاعت حتی از نبوغ نیز کمتر موجود است.

معمولاً جواب‌هایی شبیه این‌ها می‌شنوم:

«سیستم آموزشی ما شکست خورده و احتیاج فوری به اصلاح دارد.»

«آمریکا استثنایی است.»

«خدایی وجود ندارد.»

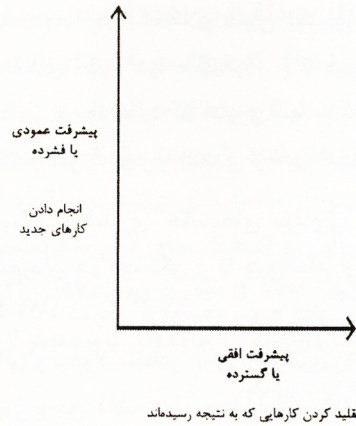
این‌ها پاسخ‌های بدی هستند. گزاره‌های اول و دوم ممکن است درست باشند ولی بسیاری از افراد هنوز با آن‌ها موافقت نمی‌کنند. گزاره سوم یک طرف از مناظره‌ای آشنا است. یک پاسخ خوب این شکل را دارد: «بسیاری از مردم به X معتقدند، ولی حقیقت خلاف X است» من در ادامه همین فصل پاسخ خودم را خواهم داد.



این پرسش تضاد آمیز با آینده چه کار دارد؟ در ساده‌ترین تعریف، آینده به شکلی خیلی ساده عبارت است از مجموعه همه دقایقی که هنوز نیامده‌اند. ولی آنچه آینده را متمایز و با اهمیت می‌سازد این نیست که هنوز رخ نداده، بلکه این است که زمانی فرا می‌رسد که جهان متفاوت از امروز خواهد بود. در این توصیف، اگر قرار است هیچ چیزی در جامعه ما در صد سال آینده تغییر نکند، آنگاه آینده، دورتر از صد سال بعد خواهد بود. اگر همه چیز در دهه آینده به شدت تغییر کند، آنگاه آینده، تقریباً دم دست است. هیچ کس نمی‌تواند دقیقاً آینده را پیش‌بینی کند، اما دو چیز را می‌دانیم: اینکه آینده متفاوت خواهد بود و اینکه باید در دنیای امروز ریشه داشته باشد. بسیاری از پاسخ‌ها به این پرسش تضاد آمیز، شیوه‌های متفاوت نگاه ما به اکنون هستند؛ هر چه نگاه ما به آینده، نزدیکتر شود، شاهد پاسخ‌های خوب خواهیم بود.

### صفر به یک: آینده پیشرفته

وقتی به آینده می‌اندیشیم، به یک آینده پیشرفته امیدواریم. این پیشرفت می‌تواند به یکی از این دو شکل باشد: پیشرفت افقی یا گسترده و دیگری پیشرفت عمودی یا فشرده. پیشرفت افقی یعنی تکرار چیزهایی که موفق بوده‌اند، یعنی حرکت از ۱ به n. پیشرفت افقی را راحت می‌توان تصور کرد. زیرا می‌دانیم چه شکلی است. پیشرفت عمودی یا فشرده به معنی انجام کارهای نو است، یعنی حرکت از ۰ به ۱. تصور پیشرفت عمودی دشوارتر است زیرا کاری باید انجام شود که هیچ کس دیگری انجام نداده است. اگر یک ماشین تایپ بردارید و صدتای آن را بسازید پیشرفت افقی کرده‌اید. اگر یک ماشین تایپ دارید و یک واژه‌پرداز بسازید آنگاه پیشرفت عمودی داشته‌اید.



در سطح ماکرو، پیشرفت افقی در یک کلمه عبارت است از جهانی‌سازی - یعنی چیزهایی که در یک جا نتیجه داده‌اند، در جاهای دیگر استفاده می‌شوند. چین نمونه الگویی از جهانی‌سازی است. برنامه بیست‌ساله چین این است که شبیه ایالات متحده امروز شود. چینی‌ها دقیقاً هر چه را که در جهان توسعه یافته به نتیجه رسیده است کپی می‌کنند: خطوط راه آهن قرن نوزدهمی، تهریه قرن بیستمی و حتی کل شهرها. ممکن است برخی گام‌ها را جهش بزنند؛ مثلاً مستقیماً به جای نصب تلفن ثابت به بی‌سیم رسیده‌اند. اما همه چیز را همان‌گونه که هست کپی می‌کنند.

